

ارزیابی اثرات گردشگری ضرورتی در برنامه‌ریزی توریسم

پس از جنگ جهانی دوم و سامان گرفتن مجدد کسب‌وکارها در عرصه بین‌المللی و به دنبال آن افزایش درآمد طبقه متوسط در کشورهای اروپایی و آمریکایی، فعالیت‌های گردشگری پس از وقفه‌های پی‌درپی در نیمه نخست قرن بیستم به واسطه جنگ جهانی اول، رکود اقتصادی در دهه ۱۹۳۰ میلادی و در ادامه جنگ جهانی دوم، از سرگرفته شد. به این ترتیب دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ میلادی را می‌توان دوران آغازین گردشگری مدرن و رشد پیوسته آنکه تا به امروز نیز ادامه دارد، تلقی کرد.

گردشگری بیش از هر صنعت خدماتی دیگری ایجاد شغل می‌کرد و در توسعه اقتصاد محلی نقشی جدی داشت. این دلایل کافی بود تا کشورهای گوناگون وارد رقابت شدیدی برای جذب گردشگران شوند. در نتیجه افزایش فعالیت‌های گردشگری، رفته رفته بسیاری از مقصدهای گردشگری در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با اثرات زیان‌بار ناشی از توسعه یکباره و بدون برنامه‌ریزی گردشگری مواجه شدند. تمام این مسائل سبب شد مطالعه و ارزیابی اثرات گردشگری از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی به‌طور گسترده مورد توجه کارشناسان حوزه‌های مختلفی همچون اقتصاد و جامعه‌شناسی قرار گیرد.

روبه‌رو شدن با پیامدهای گوناگون ناشی از فعالیت‌های گردشگری و پی بردن به پیچیدگی‌های این صنعت، به‌دلیل وابستگی آن به بسیاری از بخش‌ها و صنایع دیگر، موجب شد دست‌اندرکاران و کارشناسان عرصه گردشگری بیش از هر زمان دیگری به اهمیت مطالعه و ارزیابی اثرات گردشگری پی ببرند؛ زیرا در عمل، بدون پیش‌بینی و سنجش اثرات فعالیت‌ها، نمی‌توان فرآیند مدیریت، برنامه‌ریزی و کنترل و نظارت مستمر را به‌خوبی اجرا کرد؛ آنچه یک شرط اصولی در توسعه پایدار گردشگری برشمرده می‌شود. از سویی، مدیریت نامناسب صنعت گردشگری سبب می‌شود مقصدها قابلیت رقابت‌پذیری خود را از دست بدهند، از پویایی فعالیت‌های گردشگری کاسته شود و تاثیراتی منفی برای بخش‌ها و صنایع وابسته به‌دنبال داشته باشد.

سه اثر عمده گردشگری

به‌طور کلی اثرات گردشگری را می‌توان به سه بخش عمده اثرات اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم کرد. یکی از مشکلات موجود در زمینه مطالعه و ارزیابی اثرات گردشگری، گستردگی حوزه فعالیت‌های گردشگری است که سبب می‌شود این صنعت بر بسیاری از بخش‌ها و فعالیت‌ها تاثیر بگذارد و به‌طور متقابل نیز از آنان تاثیر پذیرد. همین عامل موجب می‌شود کارشناسان این رشته، به راحتی قادر به تفکیک یا مرزبندی دقیقی میان اثرات گردشگری نباشند؛ زیرا در بسیاری از موارد میان اثرات گوناگون ناشی از فعالیت‌های گردشگری همپوشانی وجود دارد. به‌عنوان یک نمونه ساده می‌توان به افزایش شمار گردشگران و در پی آن درآمدهای گردشگری یک منطقه اشاره کرد که در صورت عدم برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح در طولانی مدت می‌تواند موجب بروز پیامدهای منفی زیست‌محیطی و نارضایتی میان افراد جامعه میزبان شود. اما این تنها مشکل در زمینه مطالعه اثرات گردشگری نیست.

یکی از مشکلات موجود، تفاوت میان دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و علاقه‌مندی‌های کارشناسان و تصمیم‌گیرندگان است که به بررسی اثرات گردشگری می‌پردازند. گرچه تفاوت دیدگاه‌ها می‌تواند از جنبه گسترده‌تر شدن حوزه شناخت و ارزیابی اثرات مفید باشد، اما قطعاً کار دست‌اندرکاران، مدیران و برنامه‌ریزان گردشگری را برای تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌ها دشوار می‌سازد؛ امری که در نهایت ممکن است موجب از دست دادن فرصت‌های سرمایه‌گذاری و توسعه یا تشدید اثرات منفی شود. به‌عنوان مثال درباره احداث یک هتل، برخی ممکن است از این پروژه به‌جهت ایجاد اشتغال در یک منطقه و توسعه زیرساخت‌ها و اقتصاد محلی حمایت کنند و در مقابل گروهی دیگر، با تکیه بر دلایلی از جمله آسیب به فرهنگ بومی و سنتی منطقه، ایجاد مشاغل فصلی یا مشکل در دفع زباله مخالف احداث این هتل باشند.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت اینکه اثرات گردشگری دائماً در حال تغییر و دگرگونی هستند. چه بسیار پروژه‌های گردشگری که در ابتدا اثرات مثبتی برای جامعه میزبان به همراه داشتند، اما پس از مدتی به دلیل ضعف مدیریتی و نظارتی، اثرات منفی به گونه‌ای غالب درآمد و همین‌طور بالعکس. تمام این دگرگونی‌ها به واسطه ماهیت پویای صنعت گردشگری است؛ صنعتی که همواره در حال تغییر است و به دلیل همین پویایی و متغیر بودن است که برخی به آن لقب «صنعت دیوانه» داده‌اند. این مساله، ضرورت ارزیابی پیوسته اثرات طرح‌ها و فعالیت‌های گردشگری را برجسته می‌کند. به عنوان یک راهکار برای انجام مطالعه پیرامون اثرات ناشی از فعالیت‌های گردشگری، نیاز است عوامل مؤثر بر بروز اثرات گردشگری را شناسایی و معرفی کرد که از جمله آنها می‌توان به نوع فعالیت‌های گردشگری در منطقه، شاخص‌ها و ویژگی‌های جامعه میزبان و ماهیت تعاملات میان میزبان و بازدیدکنندگان اشاره کرد.

در نهایت اگر بخواهیم هدف از بررسی اثرات گردشگری، یا به عبارتی دیگر، تعریفی از اثرات گردشگری و فرآیند مطالعه آن را ارائه دهیم، هرچه بگوییم، برآیند آن همین یک جمله‌ای خواهد بود که در بسیاری از منابع نیز به آن اشاره شده است: «کاستن از شدت اثرات منفی و تلاش در جهت رشد و تقویت اثرات مثبت». توجه به واژه «کاستن» می‌تواند تا حدودی نوع نگاه ما را به مقوله اثرات گردشگری واقع‌بینانه‌تر کند؛ زیرا باید به این مساله آگاه بود که به دلیل کمبود منابع از یکسو و افزایش جمعیت و تقاضا از سوی دیگر، نمی‌توان هیچ‌گاه به طور کامل اثرات منفی ناشی از فعالیت‌ها را خنثی کرد. در بخش‌های بعدی از مجموعه مطالب مرتبط با اثرات گردشگری به بررسی منشأ اثرات و نحوه مدیریت و کنترل سه نوع عمده تأثیرات گردشگری خواهیم پرداخت.

محمدرضا گوهری/ کارشناس ارشد اکوتوریسم از دانشگاه ایالتی وسترن استرالیا